

سخنرانی
رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران
مریم رجوی
در مراسم بزرگداشت شهدای قتل عام اشرف



۱۷ شهریور ۱۳۹۲



به نام خدا
به نام ایران
و به نام آزادی
به نام زهره و به نام گیتی
و به نام سرداران قتل عام اشرف،

فدیه‌های ملت ایران در مرحله سرنگونی رژیم ولایت فقیه و سمبل‌های مقاومت به هر قیمت در برابر هیولای استبداد و فاشیسم دینی.

سلام بر شهیدان پاکباز و قهرمان قتل عام اشرف، خواهران مجاهد: زهره قائمی هم‌ردیف مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، گیتی گیوه‌چینیان و میترا باقرزاده از اعضای ارشد شورای رهبری، ژیلای طلوع، فاطمه کامیاب و مریم حسینی اعضای شورای رهبری سازمان مجاهدین خلق و از زندانیان مقاوم در زندان‌های خمینی.

هم‌چنین مسئولین هیأت سیاسی و مشاورین حقوقی، مجاهدین شهید: مهدی فتح‌الله نژاد، حمید باطبی و میرحسین مدنی، فرماندهان ارتش آزادیبخش ملی ایران و زندانیان سیاسی در دیکتاتوری شاه، برادران مجاهد: نبی سیف، محمد گرجی، علی اصغر مکانیک، سید علی سید احمدی، شهرام یاسری، علی اصغر قدیری، احمد بوستانی و علی فیض شگاهی.

فرماندهان ارتش آزادیبخش و زندانیان سیاسی در رژیم خمینی، برادران مجاهد: مجید فردی شیویاری، رحمت بلوک نخجیری، علیرضا پورمحمد، سعید نورسی، حسن غلامپور، سید علی اصغر عمادی، حسین مام رسولی و ناصر سرابی، و نسل آگاه، مصمم و مجاهد برآمده از انقلاب: امیر مسعود نظری، یاسر حاجیان، رحمان منانی، سعید اخوان هاشمی، حسن جباری و ناصر حبشی.

فرماندهان و متخصصان ارتش آزادیبخش: محمدرضا وشاق، علیرضا خوشنویس، قباد سعیدپور، کورش سعیدی، غلامعباس گرمابی، حمید صابری، ناصر کرمانیان، اردشیر شریفیان، محمد جعفرزاده، سیروس فتحی، ابراهیم اسدی، حسین سلطانی،

شجاع الدین متولی، بیژن میرزایی، امیرحسین افضل نیا، شاهرخ اوحدی، محمودرضا صفوی، محمد علی محمودی، فریبرز شیخ الاسلامی، و مجاهد قهرمان عبدالحلیم نارویی، پزشک و از مردم دلاور بلوچ و ابوالقاسم رضوانی از وکلای خوشنام دادگستری تهران.

این است کهکشان شهیدان اشرف که اسطوره‌های میهنی و سمبل‌های آرمانی تاریخ ایران را یک جا درخود جمع کرده است؛ از سیاوش و بابک و آرش تا ستارخان و کوچک خان، تا حنیف و اشرف و موسی.

آنها فشرده تکامل مبارزه مردم ایران علیه فاشیسم دینی هستند.



و سلام بر اسیران و گروگانهای اشرف.

مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (سوره احزاب آیه ۲۳)

از مؤمنان کسانی هستند که به پیمان خود با خدا وفا کردند. بعضی بر سرپیمان خویش جان باختند و برخی دیگر در انتظارند و پیمان خود را تغییر نداده‌اند.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ (سوره آل عمران- آیه ۱۶۹)

و درود ویژه به خانواده‌های این شهیدان والا قدر، چه آنها که در این جا حضور دارند، چه در داخل ایران و یا در سراسر جهان و در لیبرتی، که همگی با صبر و شکیبایی تحسین برانگیز خود تسلی بخش سایرین هستند.

سحرگاه ۱۰ شهریور، اشرف، پایداری پرشکوه ده ساله را به رفیع‌ترین قله خود رساند. و خون ۵۲ قهرمان آزادی، طلسم یأس و توبه و تسلیم را درهم شکست. اکنون همه می‌بینند که اشرفیها مثل جنگلهای شادابی در شوره‌زار یأس روئیده‌اند.

من فکر می کنم
هرگز نبوده قلب من
این گونه گرم و سرخ
احساس می کنم
در بدترین دقایق این شام مرگرای
چندین هزار چشمه خورشید
در دلم
می جوشد از یقین
احساس می کنم
در هر کنار و گوشه این شوره زار یأس
چندین هزار جنگل شاداب
ناگهان
می روید از زمین



پس بگذارید به شهیدان قتل عام اشرف بگوییم که شما راه و رسم مجاهدین را به اوج رساندید، و آن چه آفریدید و رای همه حماسه های تاریخ مقاومت است، و با وفای به پیمان، با فدای بیکران، در تاریخ ایران جاودانه شدید.

و شما ای زنان پیشتازی که در صف مقدم دلیران اشرفی تا آخرین نفس ایستادگی کردید، به راستی که الگوی نوینی از رزم و پایداری برای زنان و جوانان ایران خلق کرده‌اید. از آن روز، حتی یک لحظه تصویر خواهر عزیزم زهره، از نظرم دور نمی‌شود. زهره از زندانیان مقاوم دوران خمینی دجال و به مدت پنج سال زندانی بود. او در حمله ۶ و ۷ مرداد سال ۸۸ به اشرف، به سختی مجروح و یک پایش با گلوله به شدت آسیب دید. اما این ناملايمات هیچکدام در شخصیت و منش

تحسین برانگیز او اثری نداشت. او صداقت و فروتنی را با شجاعت و مسئولیت‌پذیری در آمیخته بود و در دو دهه گذشته مسئولیتهای خطیری را در پیچیده‌ترین شرایط به پیش برد.

هم چنین دلم می‌خواهد از خواهر عزیزم گیتی با همه جنگندگی، صبوری و ظرفیت و صلابت و صلاحیتهایش یاد کنم.

و از بهروز و رحیم، از حسین و رشید و... از همه این قهرمانان بگویم. بله دلم می‌خواهد از همه این پنجاه و دو نفر ساعتها و ساعتها صحبت کنم. ولی فقط به آنها می‌گویم:

فِيآلَيْتِنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا - ای کاش با شما بودم، ای کاش در کنار شما بودم، در کنار شما ای شهیدان، و با شما رستگار می‌شدم.



۳۵ سال پیش، مسعود گفت: بیچاره شب پرستان با سُلاله خورشید و با نسل ایمان چه خواهند کرد؟ و حالا شما اثبات کردید که شب پرستان در برابر شما و نسل شما درمانده و زبونند و این شماید، نسل مسعود، که شکست‌ناپذیر و پیروزید. زیرا با مقاومت و ایستادگی خود، جلادان را روسیاه کرده و به زانو در آورده اید و نور و روشنایی و مقاومت و رهایی را به اوج رسانده اید.

امشب شب هفت شهدای قتل عام ده شهریور است؛ شهیدانی جنگاور، شهیدانی که با دستهای بسته و با تیر خلاص بر سر و سینه در خون خود غلتیدند و خون پاکشان به ناحق و با شقاوت بر زمین ریخته شد.

دشمن همه جا، از مجلس خبرگان تا جمعه بازار خودش، هلهله و شادی می کند که سران مجاهدین را قتل عام کرده و به قول خودش آن را عملیاتی بالاتر از فروغ جاویدان می داند. اما هیئات که این هلهله و شادی برای دشمن. دیری نخواهد پایید و به زودی خواهد فهمید که هر قدر تیرباران و اعدام و قتل عام کند، هر قدر موشک و خمپاره بزند و بمباران کند،

و هر اندازه که توطئه های شوم تر و ضدانسانی تر و شقاوتباری تر پیاده کند، باید بداند که این نسل، کوتاه آمدنی نیست، نابودشدنی نیست و مایوس شدنی نیست. به عکس، بیشتر قد راست می کند، بیشتر تکثیر می شود و بیشتر مؤمن و امیدوار به راه و آرمان آزادی به پیش می رود و به پیش می تازد.

آری، این است درس ماندگار؛ درس ماندگار اشرف و اشرفیان.



و شما ای شهیدان قتل عام اشرف!

چقدر پرازنده شما بود، سرزمینی که در آن به خاک افتادید. اشرف، سرزمین شرف و سرفرازی، سرزمینی که قریب ۳۰ سال قلب تپنده مقاومت مردم ایران بوده، شهری در دل یک بیابان که آجر به آجرش به دست رزمندگان آزادی بنا شد تا مروارید صحرا گردید. شهری که ارتش آزادیبخش ملی ایران در آن متولد شد و شهری که رزم آوران این ارتش را برای بسیاری نبردها بدرقه کرد.

اشرف، تاریخچه‌ی پرتلاطم و پر از حماسه و فداکاری دارد؛ اما خونهای پاک و جوشانی که در قتل عام ۱۰ شهریور در اشرف بر زمین ریخت، نقطه اوج پیام و آرمان اشرف بود؛ پیام و آرمان مقاومت به هر قیمت، پیام و آرمان صدق و فدای تمام عیار، در مقابل دعاوی بی‌هزینگی و فرصت‌طلبی و میوه‌چینی، و پیام پایداری تا آخرین نفس و ایستادگی برای برکندن ریشه و اصل ولایت فقیه. این همان پیامی است که ایران را به قیام و برخاستن فرا می‌خواند.

حدود یک و نیم قرن پیش، کمون پاریس در ۲۸ مارس ۱۸۷۱ در فرانسه، برپا شد. به فاصله کمی پس از آن قوای ارتجاع و استبداد، دوباره مسلط شدند و در خلال فقط یک هفته، دهها هزار نفر پای دیوار کمون تیرباران شدند. این به ظاهر پایان کار آنها بود. کمون پاریس پس از فقط دو ماه در خون فرو رفت. اما همین نقطه، راهگشای مبارزه برابری طلبانه در جهان شد.

شهر اشرف اما ده سال تمام در یک محاصره ضدانسانی و زیر رگبار انواع حمله‌ها و توطئه‌ها دوام آورد. کشتارهای پی‌درپی، کازار تهمت پراکنی، زجرکش کردن بیماران و ۶۷۰ روز شکنجه روانی با ۳۲۰ بلندگو. ولی با این همه، اشرف ایستاد، در منتهای آگاهی و با روشنگری و شفافیت تمام بر اساس تمام اصول انسانی و حقوق بین‌الملل و به قول دکتر ویدال کوآدراس اشرف به یک الگو و مرجع اخلاقی و آرمانی تبدیل شد.

خانواده‌های محترم شهیدان،

شهرداران گرامی،

شخصیتهای ارجمندی که از فرانسه و آمریکا و سایر کشورها در این مراسم حضور یافته‌اید،

دوستان و همسایگان عزیز،

یاران مقاومت!

واقعه سحرگاه خونین ۱۰ شهریور در اشرف، قتل عامی بود با همان رویکرد قتل عام سال ۶۷ و با همان روح لعنت شده. قتل عامی که از هر لحاظ، جنایت علیه بشریت بود. همزمانی این حادثه با کشتار شیمیایی در سوریه اصلاً تصادفی نبود. خامنه‌ای دیکتاتور فاسد و خونخوار ایران، هم بشار اسد دیکتاتور جنایتکار سوریه و هم مالکی دیکتاتور عراق را از یک اتاق عملیات در تهران فرماندهی می‌کند. آنها پایه‌های رژیمهای منفور و نامشروع خود را در این روزها در خطر می‌بینند.

اما تا آن جا که به رژیم ملاها و دولت تحت حمایتش در عراق بر می‌گردد، از نظر سیاسی آنچه اتفاق افتاده، در اصل تدافع هراسناک رژیم ولایت فقیه در برابر خطر سرنگونی است. آخوندها از مردم ایران که آماده و مترصد قیامند، می‌ترسند. آنها از حمله نظامی قریب الوقوع دولتهای غرب به رژیم سوریه وحشت کرده‌اند.

آنها از گسترش قیامهای مردم عراق ترسیده‌اند و بیش از همه از عنصر ایستادگی که منشاء تمام خیزشهاست و از بسیاری جهات، تحت تأثیر پایداری اشرف و لیبرتی است، وحشت دارند. بله، لحظه نادر و ویژه‌ی شکل گرفته که صفحه جدیدی در تاریخ این منطقه می‌گشاید؛ دورانی که در آن رژیم ولایت فقیه و متحدانش دیگر جایی ندارند.

سه ماه پیش که در نمایش انتخاباتی رژیم، یک آخوند از جناح رقیب خامنه‌ای کرسی ریاست جمهوری را به دست آورد، برخی طرفها گمان می‌کردند که این فرصتی برای کاهش بحرانهای رژیم است تا تهدید سرنگونی را پشت سر بگذارد. اما به سرعت اثبات شد که روی کار آمدن آخوند روحانی، محصول ضعف و بن بست رژیم است و پاسخ بحران سرنگونی آن نیست. کما این که در همین سه ماه، قطب بندی و رویارویی در درون رژیم، شدت یافت و اثبات شد که آخوندها در قبال فروپاشی اقتصادی کشور و نارضایتیها و مطالبات فشرده مردم، هیچ پاسخی به جز سرکوب و اعدام ندارند.

آنها با زبان گلوله و موشک، اعتراف می‌کنند که هر قدر درگیری میان جناحهای حکومتشان حادث می‌شود، هر قدر معضلات سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی رژیمشان بیشتر می‌شود، و هر قدر فضای اعتراضی جامعه ملتهب‌تر می‌شود، بیشتر و بیشتر از این مقاومت می‌ترسند و با کینه تیزی و شقاوت بیشتر به آن حمله می‌کنند.

گفتم که اسطوره سرخ فام اشرف، نقطه چرخشی در شکست طلسم یأس و تسلیم است. به همین دلیل است که می‌بینیم اثر آن در میان هموطنان ما در داخل و خارج ایران و در زندانهای ایران، برانگیختگی و اعتراض است. تأثیرش بیداری وجدانها و به خود آمدن و برخاستن است.

شاید شما هم از فضایی که تحت تأثیر این شهادتها و حماسه اشرف شکل گرفته، اطلاع داشته باشید. در این چند روز پیامهای زیادی از طرف هموطنانمان از سراسر ایران فرستاده شده، از زندانها یا از طرف خانواده‌های شهیدان یا دانشجویان و معلمان و کارگران و سایر اقشار، که بسیار پر معنی است. از یک طرف به خاطر صمیمیتها و عواطف و پیوندهایی که در این پیامها موج می‌زند، و از طرف دیگر به خاطر این برانگیختگی ملی.

در همین جا درود می‌فرستم به همه ایرانیان شرافتمندی که این جنایت سبعانه را محکوم کردند. شنیدم که برخی مادران و اعضای خانواده‌های شهیدان گفته‌اند فرزندانمان نمرده‌اند، بلکه شهید شده‌اند و به آنها افتخار می‌کنند. درود به چنین مادران و خانواده‌هایی و درود به این روحیه‌ها و عزمها و ایمانها.

کسانی که مبارزه و فداکاری را عبث و بیهوده می‌دانند و ارزشهای برآمده از مقاومت و انقلاب را تخطئه می‌کنند، اشرف را هدف شماره یک دشمنیها و باطیل خود می‌گیرند. کما این که دعاوی آنها با هر رنگ و لعابی، از نظر سیاسی، دست آخر مطلوب و مدد رسان ولایت فقیه، می‌شود. به نحوی که در دشمنی با مجاهدین و اشرف، معمولاً همان چیزی را می‌گویند که خواست آخوندها است. یا با کارزار تهمت پراکنی، حمله و کشتار را زمینه سازی می‌کنند یا پس از حمله و کشتار خدمات ویژه آن را برعهده می‌گیرند و از تقصیرات خود مجاهدین دم می‌زنند.



دوستان عزیز!

آن چه در دو سال اخیر، مقاومت ایران در باره نقش ضربه زننده نماینده ملل متحد در پرونده اشرف و لیبرتی فاش کرد، حالا مثل روز روشن شده است. واقعیت این است که اگر ملل متحد به وظائف خود عمل می‌کرد و جانب دولت عراق و سفارت آخوندها در بغداد را نمی‌گرفت، و اگر ملل متحد و ایالات متحده درباره چهار رشته تهاجمات وحشیانه دولت عراق، از سال ۸۸ تاکنون، یک تحقیق رسمی به عمل می‌آوردند، هرگز کار به این جا نمی‌کشید و قوای نخست وزیری عراق جرأت نمی‌کرد که به قتل عام و اعدامهای جمعی در اشرف دست بزنند و یا به نیروی قدس میدان عمل بدهد. این همان حقیقتی است که دکتر طاهر بومدرا از مسئولان ارشد پیشین سازمان ملل از قبل هشدار داده بود.

تمام ۵۲ قهرمانی که هدف اعدامهای جمعی قرار گرفتند و هم‌چنین هفت مجاهد دیگر که به گروگان گرفته شده‌اند، بدون استثنا به عنوان افراد حفاظت شده در چارچوب کنوانسیون چهارم ژنو شناخته شده بودند. به علاوه کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، رسماً تمام آنها را پناهجویان برخوردار از حفاظتهای پایه‌یی اعلام کرده است.

چرا ملل متحد و کمیساریای عالی پناهندگان به حداقل وظایف خود برای تأمین حفاظت و امنیت آنها عمل نکرده‌اند؟ چرا ایالات متحده به تعهدات مکرر خود درباره حفاظت آنها پشت پازده است؟

می‌دانید که هم در مورد انتقال مجاهدان اشرف به خارج از عراق و هم در رابطه با حل مسأله اموال، طرحهای متعددی از جانب ما ارائه شد ولی نه دولت عراق و نه طرفهای بین‌المللی پاسخ مثبتی به آن ندادند. و رژیم آخوندها و دولت مالکی

که در پی انهدام مقاومتند، از یک طرف از همراهی ملل متحد و از طرف دیگر از سکوت و بی‌عملی آمریکا و اروپا سود بردند.

۵۲ نفری هم که صبح روز ۱۰ شهریور، در اشرف، هدف این کشتار قرار گرفتند، بخشی از صد نفری هستند که بر طبق یک توافق چهارجانبه میان ساکنان اشرف، دولت آمریکا، ملل متحد و دولت عراق در اشرف باقی ماندند که تا هنگام فروش یا انتقال اموال و داراییهای اشرفیها نگاهبان آن باشند. این توافق در ۱۷ اوت سال گذشته به عمل آمد و در سوم اکتبر همان سال مشاور ویژه وزیر خارجه آمریکا در امور اشرف، تصریح کرد که ماندن این ۱۰۰ نفر در اشرف، هیچ محدودیت زمانی ندارد.

بنابراین تمام طرفهای بین‌المللی ذیربط، حضور این گروه ۱۰۰ نفره در اشرف را تأیید کرده و مجاز و مشروع دانسته‌اند. و حمله به آنها از سوی قوای دولتی، نه برطبق قوانین بین‌المللی و نه حتی بر اساس قوانین خود عراق، هیچ توجیهی ندارد. در یک کلام، آنچه واقع شده، به معنای دقیق کلمه، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی است.

به همین دلیل، جامعه جهانی و مشخصاً دولت آمریکا، اتحادیه اروپا و ملل متحد را فرا می‌خوانم که بر این رویکرد غیرمسئولانه، نقطه پایان بگذارند و برای جلوگیری از کشتار مجدد مجاهدین، اقدام کنند. هدف مشترک رژیم ولایت فقیه و دولت دست‌نشانده اش از قتل عام اشرف این است که راه حل تأمین امنیت برای مجاهدان آزادی در لیبرتی را بسوزانند و راه حملات و قتل عامهای بیشتر در لیبرتی را هموار کنند. آنها می‌خواهند مسأله امنیت لیبرتی را به بن بست بکشانند.

طرح رژیم و دولت دست‌نشانده‌اش در عراق برای انفجار و انهدام گسترده اموال و خودروها در قسمت‌های مختلف اشرف در جریان حمله دهم شهریور، در همین راستاست. برای اطلاع هم میهنان و جهانیان، گزارش کاملی از شهادت شاهدان صحنه منتشر خواهد شد.

برای جلوگیری از تکرار این جنایتها، تأکید می‌کنم:

اول- ۷ گروهان اشرفی می‌بایست هر چه سریعتر آزاد شده و بازگردند.

دوم- تا زمان انتقال کلیه مجاهدان اشرف و لیبرتی به اروپا یا آمریکا لازم است که نیروهای کلاه آبی ملل متحد در اشرف و لیبرتی مستقر شوند تا حداقل تضمین لازم برای حفاظت آنها را فراهم سازند.

سوم - سه حمله موشکی به لیبرتی در هفت ماه اخیر، در ناامنی آن تردیدی باقی نگذاشته است. لیبرتی هر لحظه در معرض موشک باران بعدی است و اقدامهای ضروری برای تأمین امنیت آن نظیر برگردان تی‌والها، انتقال کلاه خودها، جلیقه‌های حفاظتی و تجهیزات پزشکی و گسترش مساحت این کمپ فوریت دارد.

چهارم- ضروری است یک کمیته حقیقت یاب بین المللی تشکیل شود و درباره قتل عام روز ۱۰ شهریور تحقیقات بی طرفانه و همه جانبه‌یی به عمل آورد. چنین تحقیقی، اولین قدم برای جلوگیری از تکرار جنایت علیه بشریت است.

تأکید می‌کنم که دست روی دست گذاشتن در قبال قتل عامهایی که پی در پی تکرار می‌شود، همدستی در جنایت است و نباید ادامه یابد. و در این رابطه آمریکا مسئولیت مشخص دارد و باید پاسخگو باشد.

حالا برانگیختگی و خشم اشرف‌نشانها و ایرانیان آزاده، توفان بزرگی در سراسر جهان به پا کرده است. آنها همه جا را از فریاد اعتراض خود پر کرده‌اند و در برخی کشورها، همراه با مجاهدان لیبرتی، به اعتصاب غذا دست زده‌اند.

به این فریادها گوش کنید!

به این دادخواهیها گوش کنید!

به این هشدارها گوش کنید!

این فریاد ۵۲ قهرمان اشرفی است، با فریاد آنها همصدا شوید!

این صدای وجدان جهان است که می‌گوید در برابر قتل عام و نسل کشی به پا خیزید.

دوستان گرامی!

امروز، پانزدهم شهریور، آغاز چهل و نهمین سال حیات سازمان مجاهدین خلق ایران است. به این مناسبت به روح پرفتوح بنیانگذاران مجاهدین، محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان درود می‌فرستیم.

هم چنین درود می‌فرستیم به مسعود که راه آن بنیانگذاران را به نقطه اوج و تکامل خود رساند و نسلی تربیت کرد که نزدیک به نیم قرن بی محابا، با دو دیکتاتوری در حال نبردند، نسلی با ارمغانهای ذقیمت و پربار برای جامعه و تاریخ ایران و با بنیانگذاری ارزشهای درخشانی همچون فدا و صداقت و وفای به عهد و سوگند.

مجاهدین در سفر پرشکوه خود به سوی آزادی، با پایبندی به همین ارزشها، پیشروی و ماندگاری خود را تضمین کرده‌اند. مرزبندیهای قاطع و عبورناپذیر با جلاخان و دیکتاتوریهها، رمز بقای آنها در کوران بزرگترین تلاطمها و توفانهای تاریخ نیم قرن گذشته است.

حالا مجاهدین در آستانه ۴۹ امین سال حیات خود ۵۲ گل سرخ، و بهتر است بگویم گلزاری سرخ فام، نثار موکب آزادی کرده‌اند. بله کهکشانی از شهیدان که هریک در عالم انسانی، راستی که گوهر و جواهری بودند که در یک مبارزه بغرنج و طولانی از فدا و صداقت تلالو یافته و می‌درخشند.

حالا خون آنها بر زمین ریخته است. اما روح بزرگ، عشق پرشور و جانهای ناآرام آنها در قلب و جان یارانشان پابرجاست و در نسل صد هزاران و بیشمارانی که در پی آنها روان است، تکثیر خواهد شد.

سلام بر شهیدان قتل عام اشرف و حماسه رزم جانفشانی شان.

سلام بر آزادی

سلام بر مردم ایران.



واشینگتن پُست، ۷ سپتامبر ۲۰۱۳
از بهترین عکسهای هفته

The Washington Post



مراسم گرامیداشت - مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران، یک ائتلاف فراگیر سیاسی اپوزیسیون، بر روی تصاویر ۵۲ تن که در کمپ پناهندگی اشرف، در اول سپتامبر، جان باختند، گلبرگهای گل سرخ می ریزد.

www.mojahedin.org